

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی

نگاه اجمالی به مسأله مساوات در اسلام

در میان عناوین حقوق بشر در اسلام موضوع «مساوات» درخشندگی خاصی دارد، مخصوصاً با توجه به اینکه این تعلیمات روزی در جامعه بشری مطرح شد که تبعیضات بسیار ناروا و زشتی بر جوامع انسانی حکمفرما بود و به شدت همگان را رنج می‌داد.

مساوات در اسلام شاخه‌های بسیاری دارد که باید، بعد از بیان فلسفه و نتیجه آن، عنوان شود و در اینجا چند موضوع قابل توجه است:

۱- ریشه اصلی مساوات در اسلام

مساوات اسلامی در حقیقت از اساسی‌ترین مسائل در جهان‌بینی اسلام یعنی مسأله «توحید» ریشه می‌گیرد و این مسأله و مسائل مهم دیگری از این قبیل همه شاخ و برگ درخت تتومند توحیدند.

توضیح اینکه: مسأله توحید و یگانگی در اسلام نقش اصلی و تعیین کننده را دارد و بر اساس این اعتقاد:

الف - خداوند یگانه و یکتا است - ذات پاک او بسیط، و از هر نظر واحد است، نه اجزائی دارد و نه صفاتی زائد بر ذات، بلکه صفاتش همچنین علم و قدرت او عین ذات او هستند و هیچگونه کثرت در او راه ندارد.

ب - پیامبران همه از سوی او آمدند، و اصول برنامه همه آنها بدون

استثنا یکی است، محتوای دعوت همه آنها نیز در اصول کلی یکی، و هدف دعوت آنها که تعلیم و تربیت و تهذیب نفوس انسانی و اقامه قسط و عدل در جوامع بشری است نیز یکی می باشد^۱ و^۲.

ج - عالم هستی يك واحد به هم پیوسته است و خالق و حاکم و مربی و مدبر آنها تنها یکی یعنی ذات مقدس پروردگار است^۳ و^۴.

د - هر حرکتی و هر کاری در این عالم به ذات مقدس خدا منتهی می شود، حتی افعال ارادی و اختیاری ما نیز از او سرچشمه می گیرد، چرا که علم و قدرت و آزادی اراده او به ما داده است^۵.

ه - همه انسانها از يك پدر و مادر آفریده شده اند. همگی از نظر اصول انسانی برابرند، و همه برادر یکدیگر محسوب می شوند (توجه داشته باشید اخوت و برادری نزدیکترین رابطه ای است که در میان دو انسان بر اساس مساوات تصور می شود)^۶.

و - جامعه بشری باید سرانجام زیر يك پرچم درآید و همه مرزهای ساختگی برچیده شود و حکومت واحدی همه را زیر بال و پر بگیرد و این اوج تکامل جامعه انسانیت است که طبق عقیده معروف میان مسلمین به هنگام قیام «مهدی (ع)» همان مصلح بزرگی که از دودمان پیامبر اسلام (ص)

۱- لانفرق بین احد من رسله (بقره ۲۸۵) میان هیچیک از پیامبرانش تفاوتی نمی گذاریم.

۲- لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الکتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط (حدید ۲۵) ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به حق و عدالت رفتار کنند.

۳- قل الله خالق کل شیء وهو الواحد القهار (رعد ۱۶) بگو تنها خدا خالق هر چیزی است و او خدای یگانه ایست که همه عالم مقهور اراده او است.

۴- رب السموات والارض وما بینهما الرحمن (نباء ۳۷) پروردگری که آسمانها و زمین و موجودات میان آنها را آفریده خداوند مهربان است.

۵- لا مؤثر فی الوجود الا الله. در جهان هستی تأثیر بخشی جز خدای یکتا نیست (عصاره توحید افعالی در علم کلام).

۶- انما المومنون اخوة (حجرات ۱۰) مؤمنان بطور قطع برادران یکدیگرند. ما بنو آدم و آدم من قراب (حدیث نبوی). شما فرزندان آدمید و آدم از خاک است.

است این برنامه‌ها تحقق می‌یابد.

این وحدت‌های ششگانه که همه از وحدت نخستین یعنی یگانگی ذات «الله» سرچشمه می‌گیرد بر تمام تعلیمات اسلام حاکم است و به جرات می‌توان گفت هیچ حکمی در اسلام نیست مگر اینکه پیوندی با یکی از این وحدتها دارد.

و در يك كلمه اصول و فروع و احكام و اخلاق و قانون و حقوق اسلامی همه تجلیات توحیدند و پرتوهای پرفروغ‌آنند.

وبه این ترتیب به راحتی می‌توان به سرچشمه مساوات در تفکر اسلامی پی برد.

چگونه می‌توان همه افراد انسان را فرزندان يك پدر و مادر دانست، و به منزله يك خانواده، و برادران یکدیگر و همه را مخلوق خداوندیگانه و بندگان او شمرد، و آنها را برای حکومت واحد جهانی آماده کرد و باین حال در میان آنها قائل به مساوات نباشیم.

۲- فلسفه مساوات در اسلام

در اینجا نیز به این نکته می‌رسیم که هدف پایان دادن به شرك و حرکت به سوی وحدت و برچیدن دوگانگی و چندگانگی و مساله «ارباب متفرقون» است که در نتیجه انسانها را از بندگی غیر خدا رهایی می‌سازد، و به آنها اجازه می‌دهد که استعدادها و نیروهای خداداد را شکوفا سازند و به کار اندازند و خود و جامعه انسانی را به پیش برند.

قرآن مجید انسان را نماینده خدا در زمین و خلیفه الله می‌شمرد^۱ این انسان مظهر اسماء و صفات بلکه معلم اسماء و صفات او است یعنی باید از نظر علم و قدرت، مدیریت و مدبریت و رحمانیت و رحیمیت و صفات دیگر پرتوی از صفات او باشد و تمام انسانها این شایستگی را بالقوه دارند.

۱- انی جاعل فی الارض خلیفه. من در زمین جانشینی قرار می‌دهم.

۳- شاخه‌های مساوات در اسلام

در يك نظر کلی و با توجه به آنچه در متون اسلامی اعم از قرآن و سخنان پیشوایان اسلام وارد شده شاخه‌های هفتگانه زیر را در مساله مساوات می‌توان استنباط کرد:

۱- مساوات و برابری نژادها

نفی هر گونه تبعیض ناشی از تفاوت رنگها و زبانها و مانند آن، و در اینجا حدیث معروف پیامبر اسلام (ص) به قدر کافی گویا است «لا فخر لعربی علی عجمی ولا لعجمی علی عربی، ولا لابیض علی اسود، ولا لاسود علی ابیض الا بالتقوی» (هیچ برتری، عرب بر غیر عرب ندارد و نه غیر عرب بر عرب، نه سفیدپوست بر سیاه‌پوست و نه سیاه‌پوست بر سفیدپوست، مگر از طریق تقوی).

آیه معروف قرآن مجید که می‌گوید همه انسانها از يك پدر و مادر آفریده شده‌اند و اختلاف قبائل و طوائف و تفاوت ظاهری انسانها تنها به خاطر شناخت آنها است اما گرامی‌ترین انسانها نزد خدا فقط پرهیزگار-ترین آنها است (ان اکرمکم عندالله اتقاکم) نیز شاهد دیگر این مدعی است.^۱

فراموش نکنیم این شعارها و شعورها زمانی مطرح شد که تفاوت عرب و غیر عرب و تفاوت در میان قبایل و طوائف از بدیهی‌ترین مسائل اجتماعی شمرده می‌شد که هنوز هم رسوبات آن در میان گروههایی از آنها دیده می‌شود.

۲- مساوات در برابر وظائف و تکالیف

در اسلام همه مسلمانان حتی خود پیامبر اسلام (ص) در برابر وظائف کلی الهی و اجتماعی مساوی هستند، تنها در چند مورد است که شخص پیامبر (ص) با دیگران تفاوت دارد و آنها از عدد انگشتان دست تجاوز

نمی‌کند، و جالب اینکه این چند مورد در فقه اسلامی به عنوان «خصائص النبی» (ویژگیهای پیامبر) معروف شده که نشان می‌دهد در سایر مسائل هیچ تفاوتی میان پیامبر (ص) و دیگران وجود ندارد.

و نیز قابل توجه است که اصل اشتراك در تكليف به عنوان يك اصل مسلم در فقه اسلامی مطرح است و فقهاء براساس آن هر حکمی که درباره يك نفر از مسلمانان طبق آیه روایتی ثابت گردد (هرچند آن يك نفر خود پیامبر (ص) باشد با استفاده از این اصل به همه مسلمین تعمیم می‌دهند و هنگامی که از آنها سؤال شود به چه دلیل می‌گویند جواب می‌دهند: به خاطر اشتراك در تكليف!

۳- مساوات در قابلیت نیل به سعادت

هدف آفرینش انسان را خواه «تکامل» تعبیر کنیم یا «سعادت» یا «قرب الی الله» یا «کسب ارزشهای والای انسانی» که همه تعبیراتی از يك حقیقت‌اند برای همه انسانها میسر است و در تعلیمات اسلام با صراحت آمده که هر انسانی می‌تواند این راه را بییماید، زن و مرد، کوچک و بزرگ، پیر و جوان از این نظر یکسانند، و هیچگونه مانعی بر سر راه هیچکس نیست، نه موانعی از نظر ذاتی وجود دارد و نه موانعی از نظر تعیین برنامه‌ها و قوانین.

قرآن می‌گوید: من عمل صالحاً من ذکر اوانشی وهومومن فلنحیینه حیاة طيبة (هر کس از مرد و زن عمل صالحی آمیخته با ایمان انجام دهد حیات نوین و زندگی پاکیزه‌ای به او می‌بخشیم)^۱.

و بنابراین انسانها در مقابل اعمال یکسان و در شرایط مساوی از نظر پاداشهای الهی نیز یکسانند، قرآن می‌گوید: کل نفس بما کسبت رهینه (هر کس در گرو اعمال خویش است)^۲.

۱- سوره نحل آیه ۹۷.

۲- سوره مدثر آیه ۳۸.

و نیز می‌گوید: انما تجزون ما کنتم تعلمون (جزای شما تنها اعمال شما است)^۱.

۴- مساوات در حقیقت انسانیت

برخلاف افسانه‌ها و خرافاتی که در میان پاره‌ای از اقوام وجود داشته و شاید هم اکنون نیز وجود داشته باشد که پاره‌ای از افراد بشر را در گوهر انسانیت برتر از پاره‌ای دیگر می‌دانند، و یا حتی حقیقت انسانیت را برای زنان قائل نبودند، و نیز برخلاف آنچه از فلاسفه و دانشمندانی همچون «افلاطون» نقل شده که با صراحت می‌گفته‌اند: «گروهی از انسانها برای بردگی آفریده شده‌اند و گروه دیگری برای آقائی و برده‌داری!» در اسلام مطلقاً از این مسائل سخنی نیست و اسنادی که در بحثهای پیش ارائه شد که همه انسانها را برادر می‌شمرد، و همه را شایسته وصول به حیات طیبه و زندگی پاک و پاکیزه می‌داند گواه و شاهد این مدعا است.

چگونه ممکن است همگان نماینده خدا در زمین، همگان برادر و فرزندان يك پدر و مادر باشند و از نظر حقیقت انسانیت باهم تفاوتی داشته باشند.

۵- مساوات در حقوق اجتماعی در شرایط یکسان

بازتاب این مساوات به‌خوبی در سرتاسر فقه اسلامی حتی در سیره پیغمبر اکرم (ص) و پیشوایان بزرگ معصوم دیده می‌شود که آنها هرگز امتیازی در حقوق اجتماعی برای خود نسبت به دیگران قائل نبودند.

در خطبه تاریخی پیغمبر اکرم (ص) که در يك روز بسیار حساس یعنی روز فتح مکه در میان اقوام زیادی که گرد او جمع بودند و منتظر بودند اساسی‌ترین برنامه‌های اسلام را از او بشنوند ملاحظه می‌کنیم که با چند جمله کوتاه خط بطلان بر تمام امتیازات اجتماعی و حقوقی که

بسیاری از اعراب برای خود قائل بودند کشیده و فرمود: «ای مردم! حاضران سخن مرا به غائبان برسانند: خداوند در سایه اسلام برتری جوئیهای دوران جاهلیت و افتخار، به پدران و قبیله‌ها را از میان برد، ای مردم! شما همه از آدم هستید و آدم از خاک بود (وامتیازی بریکدیگر ندارید) بدانید برترین شما و بهترین و گرامی‌ترین فرد نزد خدا امروز کسی است که تقوی الهی و اطاعت او نسبت به اوامر خدا بیشتر باشد^۱.

و در يك روز حساس دیگر یعنی روزی که همه مسلمانان در مراسم حجةالوداع در مسجد معروف «خیف» در سرزمین منی (نزدیک مکه) جمع بودند فرمود: مومنان برادرند، خونهای آنها یکسان است، و همگی همچون یکدست در برابر دشمنانند و همگی در برابر حقوق اجتماعی مساوی می‌باشند (المؤمنون اخوة تتكافؤ دماءهم و هم ید علی من سواهم یسعی بذمتهم ادناهم)^۲.

پیشوایان اسلام از بیت‌المال مسلمین سهمی مساوی دیگران برمی‌داشتند، و سعی می‌کردند در لباس و خوراک و مسکن همچون افراد متوسط جامعه و گاه همچون ضعفاء زندگی کنند تا مساوات اسلامی را از این طریق متبلور سازند.

۶- مساوات در مسائل قضائی و در برابر دادگاهها

نه تنها در گذشته که امروز هم قوانینی دیده می‌شود که در مسائل قضائی و جزائی حساب شاهزاده‌ها و بعضی از قشرهای حاکم را از دیگران جدا می‌سازد در حالی که این مساله در قوانین قضائی اسلام مطلق دیده نمی‌شود و کراراً در تواریخ اسلام دیده شده که افرادی در برابر شخص پیامبر (ص) یا امیر مومنان علی (ع) اقامه دعوا کردند (حتی گاهی اقامه کننده دعوا غیر مسلمان بوده) و آنها حاضر شدند در شرائط مساوی برای

۱- سفینه البحار - جلد ۱ صفحه ۳۹۱ - بحار الانوار ج ۷۳ ص ۲۹۳.

۲- همان : صفحه ۳۹۲.

دادرسی در محکمه قضائی اسلام حاضر شوند. در یکی از این ماجراها می‌خوانیم: که وقتی قاضی دادگاه علی (ع) را با کنیه‌اش صدا زد (کنیه همان اسمی که نشانه احترام به افراد می‌باشد) و از این نظر امتیازی به علی (ع) در مقابل مدعی داد امام او را نهی کرد و فرمود: این برخلاف عدالت قضائی اسلام است که مرا با کنیه‌ام صدا زدی.^۱

۷- مساوات در دادگاه آخرت

اسلام می‌گوید نه تنها در این جهان که در جهان دیگر نیز همگی در دادگاه عدل الهی یکسانند حتی پیامبران بزرگ نیز در فکر مسئولیت‌های خویشند و در این اندیشه‌اند که خداوند چگونه حسابرسی آنها می‌کند: یوم لدعو کل اناس بامامهم: در آن روز هر گروهی را با پیشوایشان (به دادگاه) فرامی‌خوانیم.^۲

بدون شك تفاوت‌هایی از نظر خلقت در میان انسانها دیده می‌شود، و به دنبال آن تفاوت‌هایی در مسئولیت‌های اجتماعی، و فلسفه آنها از نظر اسلام همانند فلسفه تفاوت انگشتهاست یعنی فراهم ساختن يك نظام منسجم با کارائی لازم که این خود داستان جداگانه‌ای دارد.

آنچه در این مقاله آمد تنها فهرستی از مطالب مربوط به مساله مساوات در اسلام بود که به خاطر محدود بودن وقت به این صورت مطرح شد و شاید نیاز به تفکر نداشته باشد که شرح آن محتاج به بحث مفصل‌تر و تنظیم کتاب بزرگی در این زمینه است.

۱- المثل العليا فی الاسلام (کاشف الغطاء).

۲- سوره اسراء آیه ۷۱.